

در حاشیه سفر خاتمی به چین:

رامشگران جمهوری اسلامی در پکن

وقتی هیأتی به ریاست رئیس جمهور همراه با ۶۰ شرکت دولتی و غیر دولتی به چین می روند، قاعدتاً باید از مناسبات مهم اقتصادی و سیاسی منجمله فروش گاز به چین، توسعه متروی تهران، توسعه نیروگاه ها، طرح اکتشاف نفت و گاز و پروژه های مخابراتی ماهواره ای و ... بین دو کشور نوشت؛ اما این ها را خیلی ها می نویسند. ما این بار، در این ستون هفتگی، اجرای برنامه موسیقی توسط ارکستر ملی ایران در پکن را بهانه طرح موضوعی می کنیم که چندان هم بی اهمیت نیست.

زمانی که جمهوری اسلامی برپا شد و رساله «تحریر الوسيله» که مجموعه ای از فتوای خمینی ست، مبنای قانون اساسی گشت، یکی از چماق هایی که رژیم در دست داشت تا چهره خویش را از رژیم قبلی متمایز نشان دهد حرمت موسیقی بود. حرام بودن ساز و آواز و به قول خودشان لهو و لعب، همراه با حجاب اجباری و حرمت مشروبات الکلی و ... از ابزارهایی بودند که رژیم می توانست توسط آن ها ادعای خود را دائر بر ایجاد «جامعه اسلامی» بر مردم تحمیل کند و گرنه در اصل حفظ مناسبات استثمارگرانه (و البته این بار به نام قوانین مقدس اسلامی) تغییری حاصل نشده بود و امروز نیز چنانکه می دانیم نه تنها فرقی اساسی در مناسبات سیاسی و اقتصادی بین ایران و رژیم های سرکوبگر در جاهای دیگر دنیا وجود ندارد، بلکه احکام و سنت ها و مظاهر بازمانده از دوران های تاریک گذشته اوضاع فردی و اجتماعی را به مراتب بر مردم دشوارتر ساخته است و بر همه معلوم شده که از شعارهای آزادی و استقلال که در اواخر دوره شاه میلیون ها نفر را به خیابان ها کشاند و حتی از شعارهای «عدل اسلامی» و «اقتصاد توحیدی» خبری نیست. رژیمی که بر ویرانه دیکتاتوری پیشین، قدرت را با سرکوب و اشاعه جهل و خرافات به دست گرفت، دستش از نظر برنامه اقتصادی و سیاسی عادلانه و دمکراتیک کاملاً خالی ست و هرچا توانسته و به نفع اش بوده از اعتقادات مذهبی مردم به ضرب همین مظاهر اسلامی جهت تحکیم خویش سود جسته است.

اما همین نمونها و مشخصات «جامعه اسلامی» نیز یکی پس از دیگری در

برابر آفتاب گرم مبارزات مردم و نیازهای جامعه از يك سو، و ماهیت سرمایه دارانه رژیم از سوی دیگر چون برف آب شده و می شوند. برای رژیم جمهوری اسلامی تثبیت حاکمیت در درجه اول اهمیت بوده و لذا از همان آغاز، همه به اصطلاح اصول و فروع اسلام در خدمت این هدف قرار گرفت. قرن ها در تعالیم اسلامی از حرمت ربا سخن گفته بودند ولی نیاز اقتصاد سرمایه داری به این حکم پشت پا زد و امروز زیر سرپوش بانک اسلامی و صندوق قرض الحسنه و ... رباخواری و احتکار بیش از گذشته در ایران رواج دارد. زمانی که خمینی برای خاموش کردن هر صدای مخالف (حتی از سوی خودی ها و رقبای مجتهدش) ولایت مطلقه فقیه را پیش کشید، تصریح کرد که **اگر مصالح دولت اسلام ایجاب کند باید نماز و توحید را هم تعطیل کرد** و تحت عنوان «احکام ثانویه» حتی «تقدس مالکیت» را که برایشان بسیار عزیز است زیر پا گذارد. خیلی از امور که بر اساس احکام فقهی حرام بود حلال و مجاز شد زیرا این تغییر به نفع قدرت حاکم بود. برای مثال، علمای شیعه موسیقی را حرام می دانستند و چه استعدادهایی که از این رهگذر عاطل و نابود شده بود. خمینی نیز همین فتوا را داشت و آن را هرگز رسماً پس نگرفت. به این خاطره از رفسنجانی توجه کنید:

«ساعت ۱۱ صبح احمد آقا خمینی تلفن کرد که امروز بنا ست دستوری از امام در اخبار ظهر پخش شود که هرگونه آهنگ موسیقی را گرچه همراه سرود ممنوع می کند. از من می خواست به همراه آقای بهشتی به خدمت امام بروم و از امام تقاضا کنم که مانع پخش این دستور شوند. من به دلیل حضور در کمیسیون و به دلیل شبهه شرعی در جلوگیری از نظری که امام و مرجع تقلید داده اند - و شبهه شرعی از این جهت که اگر فتوا ست چرا اطاعت نکنیم - و به دلیل عدم مساعدت استخاره و به خاطر احتمال ضعیف تأثیر ما در امام، در صورت رأی قطعی امام، از رفتن خودداری کردم ولی آقای بهشتی رفتند و نتیجه هم گرفتند و منتشر نشد. صحیح هم این است که اگر نظر امام است بدون اعلام رفته رفته اجرا گردد». (هاشمی رفسنجانی: عبور از بحران، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰، نشر معارف انقلاب، ص ۱۰۷).

رژیمی که در خانه ها کاست آواز دلکش و مرضیه و ... رامدرک جرم و حتی رسماً در اوراق جلب به دادگاه، آن ها را سند فحشا تلقی می کرد و افراد را به دادگاه می کشاند و شلاق می زد، رژیمی که هنرمندان را تحقیر و آنان را خانه

نشین می‌کرد و وقتی هم برای سرود و تبلیغات می‌خواست از برخی از آنان استفاده کند، تصویر آلات موسیقی و نواختن آهنگ را از تلویزیون سانسور می‌کرد، رژیمی که مجتهدین اش حتی فروش رادیو را به این عنوان که از آلات لهو و لعب است حرام دانسته بودند (از جمله آیت الله بروجردی) و حجت الاسلام‌های ریز و درشت اش حمله به رادیو فروشی‌ها را از مبارزات خود در دوران شاه معرفی می‌کنند (فدائیان اسلام)، چنانکه تا همین دیروز در به در به دنبال آنتن‌های بشقابی می‌گشتند ... همین‌ها امروز از موسیقی و ارکستر ملی ایران در تشریفات سفر خاتمی به پکن، به عنوان تبلیغ جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، امسال ایران همراه با بسیاری از کشورهای جهان، روز اول تابستان (۲۱ ژوئن) را به جشن موسیقی اختصاص داد. این جشن به ابتکار فرانسه پایه‌گذاری شده و به سنتی جهانی تبدیل شده است.

باری، اشتباه محض است که برخی تصور می‌کنند اسلام به عنوان ایدئولوژی نظام، دست و پای او را برای هماهنگ شدن با به اصطلاح «جامعه بین‌المللی» می‌بندد. جنجال‌هایی که در یکی دو سال اخیر ظاهراً بر سر قضایای دینی به راه افتاده، از نمایشنامه‌های ظهور امام زمان گرفته تا نشان دادن «صحنه رقص و زن لخت کنفرانس برلین»، در تلویزیون ایران، همه دارای هدفی سیاسی بوده، چنانکه پیش از این‌ها حکم ارتداد و محاربه با اسلام و اعدام کمونیست‌ها و مجاهدین و نیز فتوای قتل سلمان رشدی و قتل‌های زنجیره‌ای و ... سیاسی بوده است. در اینهمه تظاهر به دینداری و جانماز آب کشیدن، در اینهمه دل‌سوزاندن برای اسلام و مسلمین کوچکترین حقیقت و صداقتی وجود ندارد. یکی از بزرگ‌ترین جنایات این رژیم سوء استفاده از باورهای ساده‌میلون‌ها مردم است که آنان را به زور تبلیغات و اجبار روانه جنگ کرد یا به پای صندوق‌های رأی فرستاد. خصومت‌های جاهلانه را حتی بین افراد یک خانواده دامن زد و به جاسوسی علیه یکدیگر گمارد و آنان را از هر اندیشه‌ای متمدنی و مدرن برحذر داشت، به دشمنی با روشنفکران برانگیخت تا مخالفان سیاسی را در غیاب حمایت مردم تار و مار کند. اگر درست است که باورهای دینی در زندگی مردم عادی جایی دارد و کسانی در تنهایی یا استیصال خود، به لحاظ روانی به قدرتی ماورای خویش متوسل می‌شوند، اما می‌توان به طور قطع گفت که در قدرتمداران جمهوری اسلامی اثری از چنین باوری نمی‌توان یافت. آن‌ها بهتر از هرکس

دیگری می دانند که خدا و پیغمبر او جز وسیله ای برای توجیه منافع آنان نیستند. رژیم جمهوری اسلامی اگر ایجاب کند، حاضر است برای حفظ قدرت سیاسی، همه آنچه را که اصول و فروع اسلامی خوانده شده به نفع خود توجیه کند. مگر نه آنست که تا امروز هرچه به نفع خود تشخیص داده اند آن را حکم اسلام و وظیفه شرعی نامیده اند؟ و آنچه را که خلاف منافع شان بوده کفر و ارتداد و مستحق قتل و طرد شمرده اند؟ دیروز در بارهء وجوب حجاب حکم صادر می کردند و اوباش را برای اجرای آن به خیابان ها سرازیر می کردند، اما امروز زمزمه هایی در بارهء رفع ممنوعیت بی حجابی به گوش می رسد. اخیراً فائزه رفسنجانی گفته است که تجربه نشان داده که ممنوع بودن بی حجابی تأثیر چندانی در حفظ عفت عمومی ندارد (نقل به مضمون). باید توجه داشت که پایه های عقب مانده رژیم هنوز زمینه پذیرش توجیهات تازه را ندارند و گرنه شاهد تغییرات سریعتر و صریح تری می بودیم.

آنچه اصلاح طلبان مطرح می کنند و تفسیرهایی که برای دینداری پیش می کشند، مثلاً آنچه عبدالکریم سروش که خود یکی از تئوریسین ها و از دست اندرکاران سیاست های رژیم (از جمله در انقلاب فرهنگی) بوده بیان می کند جلوه ای از این تغییر چهرهء رژیم است. اصلاً کل جریان اصلاح طلب بنا بر همین نیاز و ضرورت به وجود آمده و اصلاح طلبان، اگر واقعاً پیگیر باشند (که نیستند)، خود به نفی جمهوری اسلامی و حتی اسلام خواهند رسید. بی مناسبت نیست این نکته را نقل کنیم که می گویند به نظر حجاریان، مجلس پنجم متعلق به محافظه کاران بود و مجلس ششم به اصلاح طلبان، هفتم به روشنفکران دینی و هشتم متعلق به لائیک ها است.

گمان می رود که قبای ژندهء ولایت فقیه و جمهوری اسلامی زیر فشار مبارزات مردمی و بر اساس نیازهای سرمایه داری حاکم مدام کوچک و کوچکتر خواهد شد تا سرانجام برافتد.
(سپیدار ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰)